



### اشاره

حجت الاسلام والمسلمین نجم الدین طبسی در سال 1334 در نجف اشرف به دنیا آمدند. دروس مقدماتی حوزه را در همین شهر و نزد پدر بزرگوارشان حضرت آیت الله حاج شیخ محمد طبسی آغاز کردند، اما به دلیل شرایط نامناسبی که حکومت بعثی برای طلاب حوزه های علمیه فراهم آورده بود ناچار به مهاجرت از نجف و اقامت در شهر مقدس قم شدند. دروس سطح حوزه را در محضر اساتیدی چون حضرات آیات ستوده، اشتهدادی و حرم پناهی گذراندند و در مقطع خارج حوزه نیز از محضر اساتیدی چون آیات عظام گلپایگانی، وحید خراسانی، فاضل لنکرانی و تبریزی بهره بردند.

ایشان علاوه بر تدریس دروس حوزوی در مقطع سطح و خارج به تألیف و نگارش کتاب در زمینه مباحث مختلف فقهی، تاریخی و کلامی نیز اشتغال دارند که از جمله این کتاب ها می توان به مواردالسجن، مواردالنفی والتغریب، امام حسین (علیه السلام) در مکه، عاشورا، چشم اندازی از حکومت امام مهدی (علیه السلام) و... اشاره کرد. آنچه در پی خواهد آمد حاصل گفت وگویی ما با ایشان است که امیدواریم مقبول طبع شما گرامیان واقع شود.

## موعود

با تشکر از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید بفرمایید منظور از دو واژه «آخرالزمان» و «عصر ظهور» که در روایات آمده است، چیست؟ و به کدام برهه از زمان اشاره دارند؟

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين. برای روشن شدن پاسخ این سؤال باید ببینیم که در روایات از این دو واژه چگونه تعبیر شده است. با مروری سطحی در جلد چهارم معجم الأحادیث الامام المهدی (علیه السلام) دیدم که در روایات ائمه طاهرين (علیه السلام) درباره «عصر ظهور» چنین تعبیراتی آمده است: «دولة القائم»، «ظهور الحق»، «إذا قام قائمنا»، «قام القائم»، «يخرج قائمنا» و «الذي يطهر الأرض من أعداء الله» (کسی که زمین را از دشمنان خدا پاک می کند). گویا بزرگ ترین افتخاری که ائمه معصوم (علیه السلام) به خود نسبت می دهند برخاستن قائم از میان ایشان و برپایی دولت حق به دست آن حضرت است.

درباره «آخرالزمان» هم به دو روایت از امام صادق (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) اشاره می کنم که در آنها به ویژگی های این دوران اشاره شده است: امام صادق (علیه السلام) در روایت مفصلی پس از اشاره به سیره حکومتی امام علی (علیه السلام)، خطاب به برید بن معاویه که راوی این حدیث است در توصیف زمان خود فرمودند: «لا والله ما بقيت لله حرمة إلا انتكهت»؛ به خدا قسم، دیگر هیچ حریم و حرمتی برای خدا نمانده مگر این که به آن حریم تعدی و تجاوز شده است. «ولا عمل بكتاب الله ولا سنة نبيه في هذا العالم»؛ در این جهان نه به کتاب خداوند و نه به سنت پیامبر او (صلی الله علیه وآله) عمل نمی شود. «ولا أقيم في هذا الخلق حد منذ قبض الله امير المؤمنين، صلوات الله و سلامه عليه»؛ از زمان شهادت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در میان این مردم حدی بر پا نشده است. پس از آن حضرت ادامه می دهد: «ولا عمل بشيء من الحق إلى يوم الناس هذا»؛ و تا این زمان به چیزی از حق عمل نشده است. می توانیم بگوییم فتنه های آخرالزمان، هتک حرمت ها، عمل نکردن های به قرآن، رواج انحرافات و دیگر ویژگی هایی که برای آخرالزمان نقل می کنند، از وقتی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به شهادت رسیدند، شروع شد. اما اوج این ویژگی ها در دوران قبل از ظهور امام زمان (علیه السلام) نمایان می شود، آن هم به حدی که، به بیان برخی روایات، طلب و آرزوی منجی ورد زبان مردم می شود. امام صادق (علیه السلام) در ادامه روایت می فرماید: «أما والله لا تذهب الأيام والليالي حتى يحيى الله الموتى و يميت الأحياء و يرذل الله الحق إلى أهله»؛ اما سوگند به خدا، دور روزگار به پایان نمی رسد تا این که خدا مردگان را زنده کند و زندگان را بمیراند و حق را به اهلش برگرداند. «و يقيم دينه الذي ارتضاه لنفسه و نبيه»<sup>(1)</sup>؛ و دینی را که برای خودش و پیامبرش می پسندد برپا سازد.

در روایتی دیگر، امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «لا يقوم القائم إلا على خوف شديد من الناس و زلازل و فتنة و بلاء يصيب الناس»؛ دولت حق برپا نمی شود مگر در شرایطی که ترس همه را فرا گرفته و همه کس و همه جا دچار فتنه و بلایا و زلزله و طاعون و دیگر بیماری ها شده باشند. «وسيف قاطع بين العرب و اختلاف شديد بين الناس»؛ جنگ کشورهای عربی را فرا گرفته و در میان مردم اختلاف نظرها شدت یافته است. «و تشتت في دينهم و تغيير في حالهم»؛ چنان مردم از حیث عقیدتی پراکنده شده اند و حالات آن دگرگون شده است. «حتی

يَتَمَنَّى الْمَتَمَنَّى الْمَوْتَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً» چنان اوضاع عمومی سخت می شود که آرزوی مردم در هر صبح و شام مرگ می شود. در ادامه روایت درباره علت این موضوع چنین می خوانیم: «من عظم ما یری من کلب الناس و أكل بعضهم بعضاً»؛ از شدت فشارها و ناراحتی ها و این که می بینند مردم همانند سگ به هم می پرند و همدیگر را تکه پاره می کنند.

در ادامه روایت، حضرت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) را چنین توصیف می کنند: «فخروجه إذا خرج یکون عند اليأس و القنوط من أن یروا فرجاً»<sup>(2)</sup>؛ هنگامی که همه مردم ناامید شده اند و دیگر هیچ امیدی برای فرج باقی نمانده است، آن حضرت ظهور می کنند. خلاصه در این دوران افراد نه امنیت و آسایش دارند و نه هیچ خیر و پناهگاهی می یابند و وقتی چنین شد حضرت ظهور می کنند.

یعنی حضرت عالی آخرالزمان را همان دوران ظهور می دانید؟

اوج آخرالزمان را، بله! اوج آن همان دوران نزدیک به ظهور است ولی اصل آن همانطور که در روایت امام صادق (علیه السلام) دیدیم از زمان شهادت حضرت امیر (علیه السلام) شروع شد.

پس چرا از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) به عنوان پیامبر آخرالزمان یاد می شود؟

این دو مطلب با هم منافات ندارند؛ از آنجا که پس از ایشان پیامبری نیست، آن حضرت پیامبر آخرالزمان خوانده می شوند و همانطور که گفتیم آخرالزمان هم محدود به دوران نزدیک ظهور نمی شود.

دوران ظهور حضرت چه ویژگی هایی دارد؟

دوران ظهور، دورانی است که حاکم آن امام معصوم (علیه السلام) است و بر کل جهان حکومت می کند و این حاکمیت سرایا عدل و عدالت است و قابل مقایسه با هیچ حکومت و حاکمیتی نیست و آرزو و نوید همیشگی همه معصومین (علیه السلام) تحقق این چنین حکومتی بوده است.

در چنین دورانی آیا ما تنها شاهد تحول در عرصه حکومت هستیم یا باقی عرصه ها هم دچار تحول می شوند؟

تحقق حکومت امام زمان (علیه السلام) تحول عمیقی را در جهان، جامعه و انسان ها به وجود می آورد. این روزها شاهدیم که دولت های استکباری برای دستیابی به منافع و مطامع پست مادی شان از آن سوی دنیا بلند شده و به منطقه خاورمیانه آمده اند، این همه جنایات مرتکب می شوند و با این حال نه تنها اصلاً ذره ای ناراحت و متأثر نمی شوند، بلکه اسم این عمل شنیع را پیروزی می گذارند. اما با ظهور امام زمان (علیه السلام) انسان ها

چنان متحول می شوند که خودخواهی در آنها کشته می شود و به جای کشتن همنوعان خود، به خدمت کردن به ایشان افتخار می کنند.

امام باقر (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «إذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد، فجمع بها عقولهم و كملت به أعلامهم» (3)؛ وقتی حضرت قائم (علیه السلام) ظهور کنند دستشان را بر سر مردم می گذارند و عقل ها و آرزوها و خلاصه اخلاقتان کمال می یابد. طبیعی است وقتی کسی عقلش کامل شد و آرزوها و اخلاقیاتش تغییر کرد، به قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) «ذهب الشحنة والبغضاء» (4)؛ دیگر کینه توزی از بین مردم رخت برمی بندد. آیا تحولی از این بالاتر می توان تصور کرد؟ امام زمان (علیه السلام) چنان تحولی در افراد به وجود می آورند که وقتی اعلام می کنند هر کس پول و جواهرات می خواهد، بیاید بگیرد، جز یک نفر بلند نمی شود که او هم بعد از کرده خود پشیمان می شود. (5) علت چنین حرکتی غنای مردم نیست بلکه استغنائی است که در آنها پدیدار شده و تغییراتی است که در روحيات آنها به وجود آمده است. آن کسی که بلند می شود و ابراز نیاز می کند چنان در دامنش پول و جواهرات می ریزند که نتواند جابه جا شود. او هم وقتی می بیند که فقط خودش بلند شده پشیمان می شود و می خواهد آنچه را گرفته، پس بدهد که از او قبول نمی کنند.

چنین تحول عمیق و ریشه داری مختص انسان ها نیست بلکه حتی تجلی آن را در حیوانات هم می توان مشاهده کرد. بنا بر بعضی روایات حیوانات درنده و غیر درنده با هم صلح می کنند (6) و چوپان ها خیالشان از گرگ ها راحت است، تازه خود گله هم در طول مسیرش تا چراگاه پا روی گندم ها و دانه های درشت نمی گذارند. (7) حاکمیت جهانی حضرت چنین تحولی جهانی را به دنبال دارد.

عمده این تغییرها را در کدام عرصه ها می توان دید؟

در تمام عرصه هایی که شما به نظرتان می رسد، قطعاً شاهد تغییر خواهیم بود. طبق روایاتی که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: «إذا خرج القائم يقوم بأمر جديد و كتاب جديد و سنة جديدة و قضاء جديد» (8) معنای این سخن این نیست که نعوذ بالله ایشان دینی غیر از اسلام و کتابی غیر از قرآن می آورند، بلکه تحریفات در عرضه و تفسیر این دو، آنقدر زیاد شده که وقتی حضرت می خواهند اصل مطلب و صحیح آنها را بیان کنند، برای مردم همانند امر جدیدی وانمود می شود. روش ایشان چیزی جز بیان قرآن و مفاهیم آن و احیای سنت رسول الله (صلی الله علیه وآله) نیست با این تفاوت که براساس اسلام اصیل و ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) در همه عرصه ها تغییر و تحول به وجود می آورند؛ به عنوان مثال شما ببینید، براساس آنچه در روایات آمده است تمام علومى که انبیا برای بشریت از آدم تا خاتم (صلی الله علیه وآله) آورده اند، دو حرف است حال آن که در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) علم بیست و هفت حرف خواهد شد. (9) یعنی حدود سیزده برابر. با این تحول عظیم علمى دیگر تکلیف همه چیز معلوم است که چه خواهد شد. فرهنگ، صنایع، اقتصاد، کشاورزی و خلاصه همه چیز دچار تحولی اساسی می شود. طبق بعضی روایات، در زمان ظهور حتی یک وجب زمین بایر و لم یزرع روی زمین باقی نمی ماند (10) و بیابان های مکه و مدینه با اشاره حضرت به نخلستان مبدل می شوند و یا انارهایی که از باغ ها در آن دوران به عمل می آیند به گونه ای هستند که می توانند چند نفر را سیر کنند (11) و یا سلاح هایی که حضرت از آنها استفاده می کنند هر چند به ظاهر آهنین هستند (من حدید) ولی در واقع چیزی غیر از آن (12) و در سطح بالاتری است و اصلاً قابل قیاس با تسلیحات کنونی جهان نیست.

در خصوص امنیت، الان هر چند سازمان ها و تشکیلات بین المللی مدعی نظم و امنیت جهانی بسیاریند ولیکن

جایی که حقیقتاً افراد بتوانند به آنها پناه ببرند و دادخواهی کنند وجود ندارد و این همان چیزی است که در روایات از آن با تعبیر «لایجد ملجاء» (13) یاد شده است. همین موضوع امنیت در زمان ظهور به قدری تغییر می کند که از سویی حتی اگر به اندازه مقدار غذایی که لای دندان می ماند (14) حق کسی پایمال شده باشد آن را باز می ستانند و از سویی دیگر خانم ها چه پیرزن باشند و چه دختران جوان از یک سمت دنیا به سمت دیگر برای به جا آوردن حج مسافرت می کنند و احدی متعرض آنها نمی شود. (15)

اگر روایات پیش و پس از ظهور را کنار هم بچینیم نکات جالبی به دست می آوریم: پیش از ظهور، فرد بر سر قبر مردگان می رود و آرزو می کند که کاش جای آنها بود (16) و بعد از ظهور شخص بر سر قبر برادرش می رود و به او می گوید: کاش تو هم بودی و از این برکاتی که ما بهره مند شده ایم متنعم می شدی. (17) یا پیش از ظهور خون ریزی مفصلی در منا به وجود می آید (18) و پس از ظهور مردم آنقدر به حج اقبال می کنند که حضرت از آنها که طواف مستحبی می کنند، می خواهند که مطاف را برای آنها که حج واجب دارند رها کنند. (19) مساجد پیش از ظهور زیبا و با شکوه اما خالی از مؤمنان و معنویت اند (20) ولی پس از ظهور یکی از مساجدی که ساخته می شود پانصد در دارد که حکایت از بزرگی و وسعت آن می کند (21) و یا آنها که می خواهند در نماز جمعه کوفه که به امامت حضرت برپا می شود، شرکت کنند، صبح زود هم که حرکت می کنند باز موفق به پیدا کردن جا نمی شوند. (22)

قبل از ظهور مرگ های ناگهانی (موت فجأة)، بیماری های متنوع و همه گیر نظیر طاعون و وبا گسترش قابل توجهی دارند (23) و مرگ و میر زیاد چنان شایع می شود که درصد قابل توجهی از مردم می میرند (24) ولی بعد از ظهور امام زمان (علیه السلام) افراد چنان عمر می کنند که حتی هزار فرزند بلاواسطه خود را می بینند (25) که از آن علاوه بر کثرت اولاد، حد اعلای صحت، سلامتی، نعمت و خدمات را می توان برداشت کرد. خلاصه این تحول در همه ابعاد و عرصه هاست.

با توجه به این که دوران پیش از ظهور سیاهی محض است و پس از آن روشنایی مطلق؛ گذار از آخرالزمان به عصر ظهور چگونه رخ می دهد و چطور این دو دوره کاملاً متفاوت به هم متصل می شوند؟

با گسترش یافتن و شیوع فشارها و مشکلات، خود به خود توجه مردم به حکومتی که منجی موعود برپا خواهد ساخت بیشتر می شود و این فشارها مقدمه ای است برای این دگرگونی ها و البته اصل این تحول یک شبه انجام می شود: «یصلح الله له أمره فی لیلة واحدة» (26).

از جمله صفاتی که برای حضرت در دعای ندبه بیان شده «هادم ابنیة الشرک والنفاق» است. آیا می توان از این بناهای شرک و نفاق که توسط حضرت درهم شکسته می شوند، مصادیقی را نام برد؟

در جوابتان بهتر است روایتی از امام صادق (علیه السلام) را بخوانم که در دل خود مطالب زیادی دارد. حضرت می فرمایند: «یصنع کما صنع رسول الله»؛ حضرت مهدی (علیه السلام) همان کاری را که پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) کرد، انجام می دهند. «یهدم ما کان قبله»؛ همه بناهای پیش از خود را درهم می شکنند. «کما هدم رسول الله أمر الجاهلیة»؛ همانند پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) که بناها، اعتقادات، باورها و همه بافته های جاهلیت را فرو ریختند حضرت مهدی (علیه السلام) نیز همه آثار دوران جاهلیت بشر را متلاشی می کنند؛ «و یستأنف الاسلام جدیداً» (27)؛ اسلام را از نو بنا می کنند.

گسترش رعب، وحشت، آدم کشی چیزهایی نیستند که برای کسی قابل تحمل باشند ولی همه اینها زیر سر مشرکین است که در رأس آنها یهود قرار دارد و جالب این است که آقا امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرن ها قبل نسبت به این مطلب در مسجد کوفه هشدار داده بودند. آن حضرت به مردم رو کرده و فرمودند: «والله لتسألن ماتؤمرون»؛ یا هر آنچه را به شما می گویم اطاعت و اجرا کنید: «او لتربكن أعناقكم اليهود والنصارى» (28)؛ یا منتظر حاکمیت یهود و نصارا بر خود باشید. یا در جای دیگر فرمودند: «ليستأمرن عليكم اليهود والنصارى...» (29) چنان یهود و نصارا بر شما حاکم می شوند که عرصه را بر شما تنگ کرده و شما را از شهرهایتان بیرون خواهند کرد.

مشرکان در دوره حاکمیتشان یک سری بافته ها، عقاید و فرهنگ را بر مردم تحمیل می کنند که از جمله عوارضش گسترش فساد، بی بند و باری، بی عفتی و هدف قرار گرفتن اعتقادات مردم است. در کنار حاکمیت یهود، حکومت هایی دیده می شود که تشکیل شده از مشرکان، منافقان و همه آنهایی که ظاهراً همراه مردمند ولی در حقیقت بقای خود را وامدار همدستی و همراهی مشرکان هستند. قبل از ظهور امام زمان (علیه السلام) دنیا گرفتار مشرکان؛ یعنی یهود و نصاراست که مصداق بارزش در جهان امروز همان آمریکا و مولود نامشروعش اسراییل است که حکومت های دست نشانده ای که به جز رضایت آنها به هیچ چیز دیگری فکر نمی کنند، همراهشان هستند. حضرت در همان ابتدای امر با تمام قوا با ایشان رودرو شده و جنگ خونینی با ایشان به پا می کنند. در این جنگ تمام عیار، حتی سنگ ها و درخت ها به یاری حضرت و سپاهیان آمده و ایشان را خطاب می کنند که یک یهودی یا دشمن خدا پشت من پنهان شده، بیایید او را بگیرید و بکشید. (30)

برخی روایات هم به جنگ حضرت با حکومت های عربی و دست نشانده های آنها اشاره می کنند که «على العرب شديد» (31) «لا والله ما بينه وبينهم إلا السيف» (32)؛ البته نکته ای را که می بایست در اینجا متذکر شوم، این است که جنگ های خونین و شدید حضرت تنها با حکومت های مشرک و سردمداران شرک و نفاق است والا اصل حکومت ایشان حکومت سفاک و خونریزی نیست که بین عوام مردم شایع کرده اند. حضرت با شیطان درگیر می شود (33) که «إِلَى يَوْمِ الْوَفْتِ الْمَعْلُومِ» (34) مهلت خواسته است؛ البته این که منظور همان ابلیس است یا شیطان بزرگ بماند تا زمانی که خود حضرت ظهور کنند.

با استقرار حکومت حضرت چه کسانی از این نعمت بهره مند می شوند؟

اولاً طبق برخی روایات، همه در دوران امام زمان (علیه السلام) موحد می شوند و دیگر هیچ حد و مرزی باقی نمی ماند که فلانی مثلاً یهودی یا نصرانی است: «له أسلم من فى السموات والأرض» (35)؛ همه در دوران حکومت امام زمان (علیه السلام) مسلمان می شوند.

نکته دوم این که با توجه به بعضی دیگر از روایات که می فرماید: «وضع الله يده على رؤس العباد» (36) نه رؤس مؤمنان یا شیعیان، حضرت دست مبارکشان را بر سر تمام بندگان می گذارند و عقول همه بندگان کامل می شود و نه عقل جمعیتی خاص.

نکته سوم این که سرور ناشی از ظهور امام زمان (علیه السلام) حتی شامل حال اهل برزخ و مردگان هم می شود (37) یعنی علاوه بر شیعیان و کل انسان های زنده، مردگان هم از فرج بهره مند می شوند: «دخلتهم الفرحة» (38).

آیا می توان تعریف جامعی از حکومت حضرت ارایه کرد به طوری که مشخص شود ابعاد، الگوها، قوانین و سیره ای که قرار است ایشان برقرار کنند چیست؟

می دانید که ما ده قانون یا ده دین نداریم. در نگاه ما دین و قانون حق جز یکی و اسلام نیست: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (39). افتخار و هنر حضرت مهدی (علیه السلام) پیاده کردن همان چیزی است که رسول الله (صلی الله علیه وآله) به بشر ارائه کرده اند؛ چرا که به فرموده قرآن «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (40). به عبارت دیگر نه تنها سیره ایشان که سیره حضرت علی (علیه السلام) همان سیره رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بود و همگی افتخارشان این است که قدم جای قدم پیامبر (صلی الله علیه وآله) می گذارند. البته نتیجه تأسی و عمل به این سیره بنا بر آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (41) و فور و نزول برکات از آسمان و زمین است و طبیعی است در چنین حالتی دیگر زمین با اهل خود قهر نیست و رود و دریاچه ای خشک نمی شود و بسیاری مسایل از این قبیل وجود نخواهد داشت.

آیا برای تحقق چنین حکومتی زمینه سازی هم می توان کرد؟

پاسخ این سؤال به بحث انتظار برمی گردد که مرحوم مجلسی در جلد 52 بحارالانوار بیش از هشتاد روایت در این رابطه آورده اند که در بعضی از آنها از انتظار با تعبیری همچون «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ» (42) یا «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي» (43) یاد شده و شخص منتظر را در برخی دیگر به کسی تشبیه کرده اند که در خیمه رسول الله (صلی الله علیه وآله) باشد. (44) مسلماً کسی که در خیمه رسول الله (صلی الله علیه وآله) باشد برای تهاجم به دشمن و ویران کردن ابنیه شرک و نفاق در حالت آماده باش به سر می برد؛ یا وقتی حداقل ثواب انتظار را معادل ثواب هزار شهید بدر و احد بیان می کنند (45) معنایش این است که هر منتظر باید رنج و زحمتی معادل رنج و زحمت هزار شهید بدر و احد را تحمل کند. به هر حال مردم باید با این موضوع و این فرهنگ و خود امام (علیه السلام) و دشمنان ایشان آشنا شوند و برای مردم روشن شود که دشمنان آن حضرت به دنبال چه می گردند و چه هدفی را دنبال می کنند.

به نظر حقیر بهترین وسیله برای آگاه کردن مردم، پیاده کردن فرهنگ مهدویت و برحذر داشتن آنها از فرهنگ ضد آن است. بهترین حالت آن هم وقتی است که حکومت به پا می شود. با برپایی حکومت و دستیابی به امکانات بیشتر، مسئولیت هم بیشتر می شود. می بایست با استفاده از صدا و سیما و دیگر رسانه های گروهی ابعاد مختلف موضوع را برای مردم تبیین کرد و به معنای واقعی برای برپایی حکومت امام زمان (علیه السلام) مقدمه چینی نمود. البته در اینجا مجال پاسخ به آنها که با استناد به حدیث ضعیف السندی اصل تشکیک حکومت در عصر غیبت را زیر سؤال می برند، نیست و به همین قدر بسنده می کنم که به نظر بنده الان اوجب واجبات و اهم مسایل تشکیل و حفظ حکومت اسلامی است.

با گذشت بیش از دو دهه از آغاز انقلاب در ایران عملکرد اصل نظام را در این راستا چگونه می بینید؟

هر چند که انتظار بیش از این بوده ولی بینی و بین الله کوتاهی نکرده اند.

یک تذکر و درخواست هم از آقایان دارم این که بیایید فرهنگ مهدویت را مثل کتاب های مدارس که به تناسب سطوح مختلف سنی نوشته شده، بازنویسی کنیم و برای هر مقطعی کتاب و اسلاید، سی دی، فیلم و برنامه های

مختلف و مناسب داشته باشیم که در این راستا می طلبد هم فضا و هم ابزار را به خوبی بشناسیم و هم مناسب ترین نحوه استفاده از ابزار را در شرایط کنونی اعمال کنیم. در ورود به این میدان هم ان شاءالله موفق خواهیم بود.

تا کنون در بین طلبه ها و عامه مردم چقدر در زمینه فرهنگ انتظار کار شده است؟

راستش را بخواهید ما در برابر ساحت مقدس امام زمان (علیه السلام) سراپا تقصیریم. آبرو و اعتبار ما طلبه ها به همین عمامه هایمان است. این عمامه ها هم اعتبارش به همان اصل و پشتوانه اش است. همانند پول که کاغذی عادی است و با پشتوانه ای که در بانک مرکزی دارد معتبر می شود. این احترامی که مردم به ما می گذارند، دستانمان را می بوسند، وجوهات را برای صرف در امور مذهبی پیش ما می آورند و خلاصه یک جور دیگر نگاهمان می کنند همه به خاطر آن بزرگوار است و متأسفانه ما در واقع یک هزارم حقی را که آن حضرت بر گردن ما دارند ادا نکرده ایم.

از ساحت مقدس امام زمان (علیه السلام) پوزش می طلبیم که سرباز خوبی برای ایشان نبوده و نیستیم ولی امیدواریم به خوبی و بزرگی و بزرگواری خودشان ما را عفو کرده و نظر لطفشان را از ما برنگردانند.

در پایان اگر مطلبی ناگفته مانده بفرمایید.

امیدواریم خداوند، عزوجل، این توفیق را به ما بدهد که حکومت موعود جهانی را درک کنیم که ان شاءالله به زودی شاهدش خواهیم بود. امیدواریم که خیلی ها این ایام را درک کنند و جزء یاران و سربازان حضرت باشند و باشیم و ان شاءالله از اجر شهادت در جبهه ایشان که دو برابر اجر دیگر شهداست بهره مند شویم. در پایان این گفت وگو از شما و مجله وزین موعود تشکر و تقدیر می کنم که سعی بلیغ دارید و مجدانه در راه نشر فرهنگ مهدویت و آشنایی با این بزرگوار تلاش می کنید و امیدواریم که خود آقا در دنیا و آخرت پاداش شما را عنایت فرمایند. از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید تشکر می کنیم.

پی نوشت ها :

1. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج3، ص538-536.
2. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج52، ص231.
3. همان، ج52، ص328.
4. سیدبن طاووس، الملاحم والفتن، ص152 به نقل از: نجم الدین طبری، چشم اندازی به حکومت مهدی (علیه السلام)، ص184.
5. جامع احادیث الشیعه، ج1، ص34.
6. محمدبن الحسن الحرالعاملی، اثبات الهداة، ج3، ص542، ح521.
7. عقدالدرر، ص159.
8. الملاحم والفتن، ص97 به نقل از: چشم اندازی به حکومت مهدی (علیه السلام)، ص189.
9. بحارالانوار، ج52، ص326.

10. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج1، ص.331
11. الملاحم والفتن، ص.152
12. ر. ک: چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی (علیه السلام)، ص.118
13. المستدرک علی الصحیحین، ج4، ص514؛ عقدالدرر، ص.150
14. عقدالدرر، ص36؛ ملاحم، ص.68
15. شیخ صدوق، الخصال، ج2، ص626؛ بحارالانوار، ج52، ص.316
16. عقدالدرر، ص236 به نقل از همان.
17. الاذاعة، ص119، به نقل ازهمان.
18. بحارالانوار، ج52، ص.374
19. همان، ج52، ص.190
20. همان، ج52، ص.375
21. همان، ج52، ص330 و 337.
22. همان، ج52، ص.269
23. بیان الائمه (علیه السلام)، ج8، ص.102
24. بحارالانوار، ج52، ص.337
25. عقدالدرر، صص 99-90؛ کشف الاستار: ص.137
26. بحارالانوار، ج52، ص.352
27. الغارات، ج2، ص.333
28. در منابع عین عبارت یافت نشد.
29. مسنداحمد، ج2، ص.398
30. بحارالانوار، ج52، ص.349
31. همان، ج52، ص.355
32. همان، ج60، ص254؛ اثبات الهداة، ج3، ص.551
33. حجر (15)، آیه 38.
34. آل عمران (3)، آیه 83.
35. ر. ک: پاورقی 3.
36. بحارالانوار، ج52، ص.328
37. کامل الزیارات، ص.30
38. آل عمران (3)، آیه 19.
39. احزاب (33)، آیه 21.
40. اعراف (7)، آیه 95.
41. بحارالانوار، ج52، ص.123
42. منتخب الاثر، ح.570
43. بحارالانوار، ج52، ص.146

